

نادر ثانی:

چشم در برابر چشم، عقل بی عقل

www.nadersani.net; nader.sani@gmail.com

بار دیگر بیدادگاهی در جمهوری اسلامی بر مبنا و منطبق با اصل وحشیانه انجیلی و قرآنی "چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان" حکم دیگری مبنا بر کور کردن یکی از چشمان و بریدن بخشی از یکی از گوشهای جوانی را صادر کرده است.^۱

روزنامه حکومتی "شرق" در گزارشی نوشته است که این دادگاه حکم قصاص چشم مردی را که با پاشیدن اسید روی صورت مردی دیگر او را کور کرده است تایید کرده، اما همزمان تاکید نموده که این حکم باید بدون استفاده از اسید اجرا شود. بدینگونه اولین حکم قصاص اسیدپاشی که برای جلوگیری از وارد آمدن آسیب به مجرم حین اجرای حکم، برای کور کردنش از پاشیدن اسید به داخل چشم او اجتناب می‌شود، صادر شده است.

حکم بر این پایه صادر شده که جوانی به نام حمید پنج سال پیش در پارک مجیدیه تهران به اشتباه بر روی صورت جوان دیگری به نام داوود اسید پاشیده و بدینگونه باعث از بین رفتن يك چشم و کم بینایی چشم دیگر و آسیب دیدگی یکی از گوشهای او شده است. به موجب گزارش این روزنامه جوان اسیدپاش که در طی تحقیقات از جمله گفته است که در دوران دانش‌آموزی در مدرسه مورد آزار گروهی از همکلاسیهایش قرار داشته و حتی يكبار هم مورد آزار جنسی آنها قرار گرفته بوده، فرد مصدوم را با کس دیگری که یکی از آزاردهندگان می‌انگاشته اشتباه گرفته است.

در این مورد که بخشی از هموطنان ما در چنان تحجر فکری قرار دارند که با پاشیدن اسید بر روی این یا آن (و این بار به اشتباه) از آنها انتقام می‌گیرند و خشم خود را به اینگونه فرومی‌نشانند، شکی نیست. ما با چنین وحشیگریهایی حتی در خارج از کشور مواجه بوده‌ایم. در این هم که جمهوری ننگ و نیرنگ اسلامی، حکومت داروشکنجه بیش از ۳۲ سال است که در ایران، توده‌های ما را مورد هجوم وحشیانه خود قرار داده، شکنجه کرده، سنگسار نموده، نقص عضو کرده و به چوبه دار و یا جوخه تیرباران سپرده است نیز تردیدی نیست.^۲ در تمامی دوران حکومت این سگان زنجیری سرمایه جهانی با چنین مواردی مواجه بوده‌ایم.

جالب این است که وکیل مدافع حمید - محمدرضا قندهاری - پس از صدور رای قصاص از سوی جنایتکاری به نام عزیز محمدی رییس شعبه ۷۱ و مستشارانش نه

غیر انسانی بودن این حکم وحشیانه را، بلکه این امر که ممکن است در حین اجرای حکم برای حمید مشکلی ایجاد شده و قسمت‌های دیگری از بدنش سوزانده شود، را مورد اعتراض قرار داده و از اینرو قرار شده که کور کردن چشم متهم و قصاص يك چهارم لاله گوش او بدون ریختن اسید و تحت نظر پزشکان و با يك اقدام پزشکی انجام شود. او در گفتگویی با خبرنگار روزنامه حکومتی شرق بیان داشته: "این اولین حکم قصاص چشم است که بدون ریختن اسید و با تدابیر پزشکی صادر شده است. این در حالی است که موکل من با اسید شاکی را سوزانده بود. اگر حمید با اسید کور می‌شد، امکان داشت دچار مرگ مغزی یا سوختن قسمت‌های داخلی مغزش شود زیرا پاشیدن اسید به صورت آن هم با فاصله، با چکاندن اسید به داخل چشم متفاوت است."

به راستی که صحبت از رافت و انسانیت اسلام و اسلامی، دین و جهالت دینی است. در جایی که سفیه، فقیه است، نادان، رئیس‌جمهور و محافظان ارتجاع، پاسداران انقلاب باید هم که بریدن دست و کور کردن چشم با تدابیر پزشکی نمایی از انساندوستی این وحشیان دوران باشد. شاید بزودی تدبیری هم برای انسانی کردن سنگسار بیندیشند! به راستی که جای جرج اورول خالی که ببیند چه جنایاتی را تحت نام انسان و انسانیت به انجام می‌رسانند.

سخن گفتن از انسانیت، برابری و آزادی روزی که بساط سرمایه‌داری جهانی و سگهای زنجیریش برچیده نشده باشد امکان‌پذیر نیست. در ایران نیز نخستین گام در این راه سرنگون کردن جمهوری اسلامی با تمام جناح‌های آن می‌باشد.

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ایران!
مرگ بر سرمایه‌داری جهانی و سگهای زنجیریش!
درود بر کمونیسم! زنده باد آزادی!

استکهلم، ۱۱ خرداد ۱۳۹۰ (اول ژوئن ۲۰۱۱)
نادر ثانی

ضمیمه‌ها:

(۱) کپی بریده یکی از جراید جمهوری اسلامی در مورد حکم این بیدادگاه در زیر آورده می‌شود.

برای اولین بار در کشور

تبدیل حکم اسیدپاشی به انهدام عضو با چاقوی پزشکی

ویژه

اما وکیل متهم که مدعی بود این نوع قصاص آسیب‌های جدی به موکلش وارده کرده و حتی ممکن است باعث مرگ وی شود که خود برخلاف قوانین قصاص است به حکم صادره اعتراض کرده و گفت اگر آسیبی بیش از مقدار قصاص به موکلش وارد شود موضوع را مورد پی‌گیری قضایی قرار خواهد داد.

حکم صادره با این اعتراض در دیوان عالی کشور مورد تجدیدنظر قرار گرفته و قصاص متهم به وسیله اسید نقض شد.

دیوان عالی کشور اعلام کرد چون در حین اجرای حکم ممکن است مشکلی برای متهم ایجاد شود و قسمت‌های دیگری از بدنش نیز دچار سوختگی با اسید شود این حکم تغییر کرده و متهم محکوم به کور شدن یا روش‌های دیگر و بی‌خطر پزشکی می‌شود.

همچنین یک چهارم گوش متهم نیز باید با وسایل پزشکی بریده شود تا قصاص صورت گرفته کامل شود.

از این رو متهم بار دیگر مورد بازجویی قرار گرفت ولی وی این بار مدعی شد که داوود را به خاطر اینکه دختر مورد علاقه‌اش را از دستش درآورده به این حال و روز انداخته است. این ادعای متهم نیز با انجام تحقیقات بیشتر مهر باطل خورد و در نهایت حمید گفت که داوود را با فردی که او را در کودکی آزار داده اشتباه گرفته و این بار را سر وی آورده است.

پرونده متهم به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و وی در جلسه دادگاه با اعتراف به اشتباه خود از شاکی خواست از سر تقصیر وی بگذرد ولی قربانی حادثه گفت با این کار متهم از هستی ساقط شده و زندگی‌اش بر باد رفته است بنابراین به کمتر از قصاص راضی نمی‌شود. دادگاه هم در پایان متهم را به قصاص یک چشم محکوم کرد ولی این حکم در دیوان عالی کشور نقض شد. متهم بار دیگر در دادگاه کیفری مورد محاکمه قرار گرفته و باز هم همان حکم درباره وی صادر شد.

من نزدیک شده و با قیظ و کینه پارچی را سمت من گرفته و روی صورتم پاشید. من نمی‌دانم این جوان که بود و چرا این کار را کرد؟

با این اظهارات و انجام تحقیقات محلی یک هفته بعد متهم این پرونده شناسایی و دستگیر شد. این جوان که حمید نام داشت به مأموران گفت من با داوود در مدرسه هم کلاسی بودم و وی و دوستانش در همان ایام مدام مرا اذیت می‌کردند و از دست آنها امنیت و آسایش نداشتم. آنها حتی یک بار مرا مورد اذیت و آزار قرار دادند. سال‌ها به انتقام گیری از داوود به عنوان عامل اصلی زجرهایی که کشیده بودم فکر می‌کردم تا اینکه یک روز تصمیم به این کار گرفتم اما تحقیقات پلیس نادرست بودن این ادعا را اثبات کرد. کارآگاهان با بررسی پرونده تحصیلی متهم و قربانی دریافتند این دو در دو مدرسه جداگانه درس خوانده‌اند به همین خاطر هم‌کلاسی بودن آنها منتفی است.

گروه حوادث: با اعتراض وکیل متهم یک پرونده اسیدپاشی برای اولین بار حکم کور کردن با اسید به کور شدن با یک اقدام پزشکی تغییر پیدا کرد. به گزارش خبرنگار تهران امروز، حمید متهم این پرونده ۵ سال قبل با اشتباه گرفتن یک جوان با فردی دیگر پارچی اسید را روی صورت وی پاشیده و باعث کور شدن یک چشم وی و ضعف شدید بینایی در چشم دیگرش شد. این واقعه تلخ تیرماه ۸۵ اتفاق افتاد. وقتی که جوانی به نام داوود در پارکی در حوالی مجیدیه با اسید مورد هجوم قرار گرفته و بلافاصله توسط مردم به بیمارستان انتقال داده شد. اقدامات پزشکی برای نجات چشم‌های این جوان چندان فایده نکرده و این جوان یکی از چشمان خود را به طور کامل از دست داد و یکی از گوش‌هایش دچار سوختگی شدید شد. داوود پس از به هوش آمدن به مأموران گفت در پارک نشسته و منتظر یکی از دوستانم بودم که یکمرتبه جوانی که اصلا وی را نمی‌شناختم به

۲) صحنه‌ای دردناک و تاسف‌بار که نشان‌دهنده از حدقه درآوردن چشم جوان دیگری در سال ۱۳۸۷ در جمهوری جنایت و ننگ جمهوری اسلامی است.

